

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران گزارش داد آمار، اسامی و آخرین وضعیت خبرنگاران بازداشتی

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران اعلام کرد که آمار روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده از آغاز اعتراضات اخیر بر مبنای گزارش‌های رسمی و غیررسمی حدود ۷۰ نفر بوده که تعدادی از این افراد با قمار وثیقه آزاد شده‌اند.

موج نوشت: طبق اطلاعیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، کمیته و هیات اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی فهرست نهایی از وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی را تهیه کرده‌است که گزارش‌های رسمی و غیررسمی این انجمن نشان می‌دهد، تا لحظه تهیه این گزارش ۳۵ نفر از افراد بازداشتی، روزنامه‌نگار هستند و با سابقه روزنامه‌نگاری داشته‌اند. در ادامه مطلب اطلاعیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران آمده است: «اسامی و داده‌های به‌دست آمده از وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی بر مبنای اطلاعاتی است که از سوی نزدیکان و آشنایان ارائه شده و با اخباری است که منتشر شده است.

از طرفی آمار روزنامه‌نگاران بازداشت شده از آغاز اعتراضات اخیر بر مبنای گزارش‌های رسمی و غیررسمی حدود ۷۰ نفر بوده که تعدادی از این افراد با قمار و وثیقه آزاد شده‌اند. در عین حال کمیته و هیات اجرایی پیگیری وضعیت روزنامه‌نگاران بازداشتی، همچنان در حال برقراری ارتباط‌های گوناگون برای به‌دست آوردن اطلاعات به‌روز تر از وضعیت این افراد است و امیدوار است که با استفاده از روش‌های قانونی، مدنی و تعامل با مقامات و دستگاه‌های مربوطه برای آزادی روزنامه‌نگاران بازداشت‌شده تلاش کند. همچنین به اطلاع می‌رساند از زمان شروع اعتراضات تا به امروز تعداد قابل توجهی از روزنامه‌نگاران نیز احضار شده‌اند.»

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران همچنین فهرست روزنامه‌نگاران بازداشتی را به شرح زیر اعلام کرده‌است: «احسان پیرپور، ناش، روزنامه‌نگار ورزشی و طنزنویس؛ نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار شرق؛ هدی توحیدی، خبرنگار؛ ویدار بانی، روزنامه‌نگار حق‌التحریر؛ یلدا معیری، عکاس خبری؛ هاشم موند، زاده فعال رسانه‌ای؛ اشکان شیمی پور، فعال رسانه‌ای اهل خوزستان؛ افشین غلامی، سردبیر ماهنامه تفکر انتقادی (از ۲۰ مهر ماه تاکنون مفقودالثر شده است)؛ الهیه محمدی، خبرنگار هم‌میهن؛ امیدطلحان بیدهندی، خبرنگار آزاد و سابق خبرگزاری مهر؛ امیدهرمزی، روزنامه‌نگار ورزشی؛ آرژاجعفری، عکاس خبرگزاری ایسناصفهان؛ حسین پردی، مدیر رسانه‌های ایران تایمز و مبین ۲۴، رضا اسدآبادی، خبرنگار حوزه کارگری ایلنا؛



روح‌الله نفعی؛ زهرآ توحیدی، خبرنگار سیاسی؛ سجاد رحمانی، روزنامه‌نگار گیلانی و عضو خانه مطبوعات استان گیلان؛ شهریار قنبری، مدیر مسئول نشریه بادبان؛ صبا شعردوست، خبرنگار حق‌التحریر؛ علی خطیب‌زاده، خبرنگار خبرگزاری موکریان؛ علیرضا جباری دارستانی، خبرنگار اجتماعی مهر؛ علیرضا خوشبخت، روزنامه‌نگار حق‌التحریر؛ فاطمه ناصر، رنجبر روابط عمومی دیجی کالا؛ فرخنده آشوری، خبرنگار آزاد و خبرنگار سابق خبرگزاری فارس؛ فرزانه یحیی آبادی، خبرنگار محلی در آبدان؛ فهیمه نظری، خبرنگار حوزه تاریخ؛ محمدزاع فومنی، مدیر مسئول روزنامه صدای اصلاحات؛ مرزویه (زینب) امیری؛ قهقر خسی، روزنامه‌نگار فعال حوزه زنان و کارگری؛ مرضیه طلائی، روزنامه‌نگار خبرگزاری موکریان؛ مریم وحیدیان، خبرنگار حوزه کارگری و شبکه شرق؛ مسعود کردپور، مسئول آژانس خبری موکریان؛ ملیحه ردکی، عکاس خبرنگار در شیراز؛ مهرنوش طاقیان، خبرنگار محلی در خوزستان؛ نازلا معروفیان، خبرنگار رویداد ۲۴ و خبرنگار سابق دیده‌بان ایران؛ و نسرین حسنی، خبرنگار روزنامه محلی اتفاقیه.»

رکورد روزنامه‌نگاران در بند در جهان شکسته شد

سازمان گزارش‌شگران بدون مرز می‌گوید در پی دستگیری روزنامه‌نگاران در ایران در جریان سه ماه اعتراض اخیر، رکورد دستگیری روزنامه‌نگاران در سراسر جهان شکسته شد. به گفته این سازمان غیردولتی، تعداد روزنامه‌نگاران زندانی در سال ۲۰۲۲ به ۵۳۳ تن رسید که بی‌سابقه است. تعداد روزنامه‌نگاران زندانی در سال ۲۰۲۱، ۴۸۸ نفر بود. سازمان گزارش‌شگران بدون مرز می‌گوید که بیش از نیمی از روزنامه‌نگاران در بند، در پنج کشور دستگیر شدند: چین، ۱۱۰ نفر - میانمار، ۴۲ نفر - ایران، ۴۷ نفر - ویتنام، ۳۹ نفر - بیلاروس، ۳۱ نفر. ایران در کنار چین و میانمار یکی از سه کشوری است که بیشترین زندانیان رسانه‌ای را دارد.

نگاهی به وضعیت برگزاری جشنواره‌های استانی فجر

مدار صفر درجه!



نوید جعفری

اگر در تاریخ تئاتر، تئاتر آزمایشگاهی را منسوب به گروه تفسکی می‌دانند بی‌شک باید سند تئاتر موش آزمایشگاهی را به نام مدیران تئاتر در ایران ثبت کرد. اصولاً در ایران و مرکز هنرهای نمایشی کشور چیزی به نام استفاده از تجربیات گذشته وجود ندارد و مدیران تازه به مسند رسیده با ادعای شکافتن سقف و انداختن طرحی نو همه تلاششان را می‌کنند تا هر دستاوردی از گذشته را تغییر دهند تا به عنوان مدیر خلاق و با نوآوری شگرف مطرح شوند.

در این میان بپچاره‌تر از همه تئاتر استان‌ها و شهرستان هاست که سال هاست با مجموعه‌ای به نام مرکز هنرهای نمایشی پایتخت و حومه مواجه هستند و اولین اصل عدالت و شعار تئاتر برای همه گر برای ایشان محقق نشده است. این در حالی است که در تمام دهه‌های گذشته هنرمندان تئاتر بدون هیچ چشم‌داشتی به ثروت و شهرت چراغ صحنه‌ها را روشن نگاه داشتند و با فعالیت پیوسته در مسیر آگاهی و فرهنگ‌سازی جامعه دست به تولید محتوا زدند.

فعالیت‌های نمایشی در زمینه احیای ارزش‌های دفاع مقدس، آثار خیابانی و صحنه‌ای دینی، توجه به نشاط عمومی جامعه و خانواده و

فعالیت در زمینه کودکان و نوجوانان حتی در دوران دشوار کرونا، بخش کوچکی از فعالیت هنرمندان نمایش در ایران است.

جشنواره‌های تئاتر استانی محلی برای حضور گروه‌های نمایشی هر استان سی و چندمین دوره خود را تجربه می‌کنند و در هر دوره شاهد تغییرات مختلفی بوده‌اند که هر کدام با خون جگر و تحمل رنج بسیار به دست آمده است.

سال‌ها هنرمندان تئاتر تلاش کردند مبحث اجراهای عمومی و ارتباط مستقیم تئاتر با مردم به عنوان رکن اصلی جشنواره قرار بگیرد تا هر نمایش به شرط اجرای عموم بتواند در این رویداد حضور پیدا کند، شرطی که پس از سال‌ها به یکباره و پس از ۵ ماه از اعلام شیوه‌نامه‌ای همانند سایر دوره‌ها با شرط اجرای عمومی از سوی دبیرخانه جشنواره فجر تغییر می‌کند و تأکید بر عدم اجرای عمومی می‌شود. ناباورانه‌تر اینکه ایده این تغییر از نگاهی کالامحور نشأت می‌گیرد که فجر میزبان آثاری پیش از این روی صحنه نرفته باشد. گویی قرار است مدلی تازه از یک ماشین رونمایی شود تادل حاضران بیشتر غنچ برود. در تازه‌ترین اتفاق، جشنواره‌های استانی مجدداً مدلی دیگر از آزمون و خطا را تجربه کردند که از همان ابتدا مخالفت هنرمندان استان‌ها را در پی داشت و

متأسفانه از سوی مدیران جشنواره فجر و مرکز هنرهای نمایشی به آن توجهی نشد.

اما آنچه این بار از آستین مرکز هنرهای نمایشی در آمده است آنچنان بی‌پایه و تنها از سر اعلام نوآوری و خلاقیت است که عملاً همه ساز و کارها را به هم ریخته و حتی باعث بی‌برنامگی هاشده است.

تغییر شیوه‌نامه برگزاری جشنواره‌های استانی تنها منوط به بحث اجراهای عمومی نشد و دوباره کردن شورای سیاستگذاری جشنواره و تغییر به دو شورای سیاستگذاری و اجرایی و تقسیم برخی مسئولیت‌ها، کم‌رنگ‌تر کردن نقش هنرمندان

اصولاً در ایران و مرکز هنرهای نمایشی کشور چیزی به نام استفاده از تجربیات گذشته وجود

ندارد و مدیران تازه به مسند رسیده با ادعای شکافتن سقف و انداختن طرحی نو همه تلاششان را می‌کنند تا هر دستاوردی از گذشته را تغییر دهند تا به عنوان مدیر خلاق و با نوآوری شگرف مطرح شوند

و انجمن هنرهای نمایشی از آن جمله است که با رجوع به متن کامل شیوه‌نامه برگزاری جشنواره‌های تئاتر استانی متوجه این موضوع خواهید شد.

در آیین‌نامه جدید انتخاب دبیر به شورای سیاستگذاری سپرده شده است که بجز مدیر کل فرهنگ و ارشاد و رییس انجمن عملاً باقی اعضا نسبت و آشنایی با تئاتر ندارند. شورای سیاستگذاری متشکل از نماینده سیاسی و امنیتی استانداری، یکی از نمایندگان مجلس، رئیس شورای شهر، معاون فرهنگی شهردار و در نهایت یک هنرمند به پیشنهاد مدیر کل است.

نکته غریب‌تر در این سیستم اینجاست که اصولاً فراموش شده دبیر جشنواره اصلی‌ترین عنصر تصمیم‌گیری جشنواره است و با این سیستم در بسیاری از استان‌ها شاهد حضور برخی به صورت صوری هستیم که بعضاً چهره‌های تلویزیونی هستند تا اهالی مستمر تئاتر و بدیهی است وقتی دبیر جشنواره به عنوان رأس هرم تصمیم‌گیری و برگزاری جشنواره اینچنین منصوب شود در ادامه نمی‌توان به جشنواره‌ای قدرتمند امیدوار بود.

آنچه توسط مدیران فعلی مرکز هنرهای نمایشی و دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر مطرح شده و بر انجام آن اصرار می‌شود احیای جشنواره‌های تئاتر منطقه‌ای است که محلی برای رقابت بین برگزاری استانی و راهیایی به تئاتر فجر بود. برای بررسی این تصمیم باید به گذشته برگردیم. نفس پدید آمدن جشنواره تئاتر استانی از دهه ۶۰ آغاز شد که رشد و تعدد گروه‌های متقاضی شرکت در جشنواره تئاتر فجر منجر به برگزاری استانی جشنواره شد تا برگزاری استان‌ها از مسیر دیگری وارد جشنواره فجر شوند و در واقع پس از آن ایده جشنواره تئاتر منطقه‌ای به عنوان فیلتر دوم برای انتخاب آثار کیفی و کم کردن تعداد به میان آمد. تا سال‌ها کشور به ۶ منطقه تقسیم و برگزاری هر استان به منطقه‌ای خارج از استان خود می‌رفتند تا پس از رقابت میان برگزاری در نهایت از بین بیش از ۶۰ اثر ۱۵ اثر به فجر راه پیدا کند.

با راه‌اندازی جشنواره‌های مختلف استانی و ملی و سراسری خطر جشنواره‌زدگی نمایان شد به نحوی که برخی گروه‌ها همچون جایزه بگیران فیلم‌های و سترن تنها از جشنواره‌ای به جشنواره دیگر می‌رفتند و در این میان تولید و اجراهای عمومی به عنوان رکن اصلی و ماهیت تئاتر در حال تضعیف شدن بود.

از نسوی دیگر هیأت‌های داوری متعدد در هر منطقه بی‌آنکه از کم و کیف سایر مناطق مطلع باشند

ناچار به انتخاب ۲ تا ۳ اثر بودند که در هنگام مقایسه فاصله کیفی آثار بیش از پیش نمایان می‌شد. به نحوی که در یک منطقه داوران از سراجبار ناچار به انتخاب دو اثر به نسبت با کیفیت‌تر از بین آثار متوسط بودند و در همان زمان در منطقه‌ای دیگر داوران دچار عذاب انتخاب دواثر از بین آثاری شاخص و با کیفیت و نهایتاً در جشنواره تئاتر فجر و هنگام مقایسه آثار این حقیقت تلخ با فاصله شدید کیفی آثار در ذوق مخاطب می‌زد.

از سوی دیگر هزینه‌های بسیار برای جشنواره و برنامه‌ریزی هم‌زمان در کل کشور از دیگر عواملی بود که کارشناسان و مدیران وقت را متوجه آسیب‌های جشنواره کرد تا اینکه پس از سال‌ها جشنواره‌های منطقه‌ای تعطیل شد و در یک دوره هیأت داوری ثابت در همه استان‌ها آثار برگزاری در برابری و در نهایت ۱۴ اثر را انتخاب کرد.

نکته قابل توجه اینجاست که برخی گروه‌ها به جای بازیابی زنده فیلم خود را ارائه کردند و در نهایت ۹ اثر از میان فیلم‌ها ۶ اثر از بین آثار زنده به فجر راه یافت. بر اساس این تجربه و بار شد تکنولوژی و امکانات ویژه ضبط تئاتر کارگردان‌ها این مجال را یافتند نسخه مورد نظر ضبط‌شده را به تهران ارسال و حتی خود در جلسه بازیابی فیلم حضور داشته باشند. حتی در سال قبل فیلم‌های برگزیده استانی در سامانه بارگذاری شدند تا زحمت و هزینه پست و تکثیر هم از دوش گروه‌ها برداشته شود.

بامروری اجمالی بر این تجربیات و آزمون و خطاها برش اصلی اینجاست که احیای جشنواره‌های منطقه‌ای آن هم به شکلی ناقص و همچنین در این وضعیت اجتماعی و اقتصادی چه ضرورتی دارد و اصرار متولیان امر بدون توجه به این همه تجربه چه ضرورتی دارد؟ دست‌یاری به سوی استانداری‌ها و شهرداری‌های هر استان دراز کردن برای دریافت بخشی از بودجه آن هم در وضعیت کنونی کار سال‌ها و امکانات آن فرسوده و نیازمند تعمیرات جدی است چه سودی دارد؟

یک حساب سرانگشتی ساده مشخص می‌کند برگزاری جشنواره منطقه‌ای با حضور برگزیدگان ۱۰ استان و حدود ۲۰ گروه نمایشی با میانگین هر گروه ۱۰ نفر (جمعاً ۲۰۰ نفر) با در نظر گرفتن هزینه یابودهاب، اسکان، خوراک، جایزه، دستمزد دستا اجرایی، دستمزد و هزینه‌های هیأت داوران و مهمانان حداقل بین ۹۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان هزینه دارد.

باید پرسید که سهم مرکز هنرهای نمایشی و سهم هر استان از این مبلغ چقدر خواهد بود؟ چرا در خیل اخبار منتشر شده در خصوص جشنواره این شفافیت مالی برای اعلام آن وجود

هزینه چشمگیر برگزاری جشنواره تئاتر منطقه‌ای که باید صرف خوردن چلوکباب و عکس یادگاری گرفتن مدیران و رزومه و آمارسازی شود، آیا بهتر نیست که به تعمیر و ترمیم سالن‌های نمایشی، خرید امکانات اولیه همانند نور و سیستم صوتی و یا گروه‌های نمایشی کشور اختصاص یابد؟

ندارد؟ اگر فرض را بر تقسیم مساوی بگیریم آیا منابع مالی استان‌های برگزارکننده جشنواره منطقه‌ای اجازه این کار را می‌دهد؟ اگر منابع استانی بود چه مازادی در اختیار داشتند که خودشان به بهبود نیازهای سخت‌افزاری استان‌ها اختصاص می‌دادند اینک پولی در کار نیست چرا باید بودجه‌ای از بیت‌المال هزینه شود تا فقط افتخار احیای مریض روبه‌مرگی به نام تئاتر استان‌ها به نام عده‌ای ثبت شود؟

مهم‌تر اینکه برگزاری جشنواره منطقه‌ای چه تأثیر کوتاه‌مدت یا بلندمدتی بر تئاتر استان می‌زبان خواهد داشت؟ هزینه چشمگیری که باید صرف خوردن چلوکباب و عکس یادگاری گرفتن مدیران و رزومه و آمارسازی شود آیا بهتر نیست که صرف تعمیر و ترمیم سالن‌های نمایشی، خرید امکانات اولیه همانند نور و سیستم صوتی و با هزینه برای گروه‌های نمایشی کشور شود؟

از سوی دیگر وقتی پلاتوهای نمایشی استان‌ها در بهترین حالت ظرفیتی حداقل ۷۰ و در نهایت ۲۰۰ نفره دارند عملاً اجراهای جشنواره منطقه‌ای تنها می‌تواند جوابگوی گروه‌های شرکت‌کننده باشد و هنرمندان تئاتر استان و حتی علاقه‌مندان تئاتر هم جایی در این رویداد ندارند، جشنواره منطقه‌ای قرار است کدام بخش از اهداف تئاتر تعالی را زنده نگاه دارد؟

تأسفار در اینکه فراموش کرده‌ایم که تمام این هزینه‌ها و جشنواره‌ها در شرایطی برنامه‌ریزی شد که جهان ارتباطات به رشد امروزی نرسیده بود و تنها راه ارتباط هنرمندان همین جشنواره‌هایی بود که قرار بود در خدمت بهبود دانش و آموزش، تبادل تجربیات گروه‌های نمایشی کشور و در نهایت اجراهای عمومی در مواجهه با مخاطب باشد. در شرایطی که امروز می‌توان با یک کلیک ساده و از طریق رسانه‌های ارتباطی نوین از تازه‌های اجرا و آموزش در هر جای جهان استفاده کرد، چرا باید به روش‌های پرهزینه و بی‌ثمر گذشته رجوع کرد؟

و بیش از ۱۰ مستند تولید شده و در حال حاضر در شورای اطلاع‌رسانی وزارتخانه این موضوع را در دستور کار قرار داده‌ایم.

اسماعیلی در پاسخ به این پرسش که آیا حمایت از فیلمسازان مستند پس از دوران جشنواره «سینماحقیقت» نیز ادامه دارد، بیان کرد: یکی از علت‌های برگزاری جشنواره‌ها، شناسایی استعدادها و ادامه حمایت از آن هاست، ما در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش، تولیدات جدید، موضوعاتی که سازمان سینمایی و وزارتخانه به دنبال آن‌ها هستند، این حمایت را انجام می‌دهیم، آماده هستیم و اعتبار بسیار خوبی را هم برای آن پیش‌بینی می‌کنیم.

افرادی که از وزارت ارشاد به قطر رفتند، مسئول انجام برخی کارها بودند

وزیر ارشاد همچنین پس از جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره افراد اعماری به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر و اینکه که آیا از پرسنل وزارتخانه نیز به این رویداد ورزشی رفته بودند، گفت: در سطح مسئولین وزارتخانه ممنوع کردم کسی برود. اما آنجا هنرمندانی داشتیم که دو سه نفر باید کار آنان را انجام می‌دادند. از مسئولین مالی یکی‌الی دو نفری را فرستادیم. آقای شمسایی رفته بودند و آقای مهدی پور معاون من هم دو سه روز اول آنجا بود و برگشت. وزارت فرهنگ قطر از من دعوت کرد که در آنجا حضور داشته باشم اما ضرورتی ندیدم که من و مدیران وزارت ارشاد به آنجا برویم، بنابراین کسانی که رفتند مسئول کارها بودند و کارها به خوبی انجام شد.

وی گفت: در حال برگزاری جشنواره فیلم حقیقت هستیم، بیش از ۵۲۰ فیلم رسیده که داوری آن‌ها در حال انجام است. صف‌هایی که برای تماشای فیلم‌ها در پردیس ملت بسته شده بود و میزان استقبال از این جشنواره بر این تعجب‌آور بود. از همه خبرنگاران دعوت می‌کنیم که برای بازدید به آنجا بروند.



باشیم با این نگاه که بتوانیم از آثار همه مستندسازان در همه جای ایران حمایت کنیم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تأثیر جشنواره «سینماحقیقت» در پیشرفت فیلمسازی مستند خاطر نشان کرد: جشنواره سینماحقیقت نشان داد که ما چه ظرفیت بالایی را در مناطق مختلف کشور داریم، استقبال بین‌المللی خوبی را از جشنواره شاهد بودیم، این جشنواره و برنامه‌های مشابه کمک خواهند کرد که حوزه مستند را خیلی قوی‌تر و پرنورتر از گذشته پیگیری کنیم.

وی ادامه داد: سازمان سینمایی در هفته دولت کار بسیار خوبی را شروع کرد